



جنبش کارگری

ارگان سازمان مبارزه برای ایجاد جنبش مستقل کارگری

۱۱ اسفند ۱۳۵۸

در گنبد خونین چه گذشت

شاید از انقلاب، ترکمن صحرا محل ناخوش و ناآرامی داران بزرگ سرمایه داران و پاندهای وابسته به دربار پهلوی بود. تا این تاریخ غلامرضا پهلوی با ۴۰۰۰ هکتار، عبدالرضا پهلوی با ۳۵۰۰ هکتار، شمس پهلوی با ۳۰۰۰ هکتار، هزیر پهلوی با ۸۰۰۰ هکتار، حاجی ایل محمد سبک زاده کارخانه دار معروف با ۱۵۰۰ هکتار زمین، دست در دست ده هارمین دار کوچک و بزرگ دیگرو بلوغ مگری خلق ستم دیده ای بود که می رود تا کام های آتشین سرنوشت خود را در دست گیرد و خود مختاری و اعمال حاکمیت خویش را به بازترین وجهی تحقق بخشد.

در این راه، آنها با مشکلات و صعوبات عدیده ای روبرو بودند. از جمله این که دولت مرکزی نه فقط ثروتهای آنها را به رسمیت نمی شناخت (که این البته با شناخت از مآلهاست دولت، اگر غیر منتظره ای نبود) بلکه حتی علیرغم مذاکرات بی دردی با نمایندگان دهقانان در ستاد مرکزی، حق دهقانان را برای کشت و زرع در زمین های غصبی عمل فراری رژیم گذشته نرسانید نمی نمود و بر عکس به انواع کارشکنی ها میزدست می زد.

مثلاً ساداتان و عناصر مرتجع و مزدور زمین داران، دست در دست یکدیگر و تحت پوشش اسلام علیه دهقان هایی که زمین های فاریابی غاصب (۸۰۰۰ هکتار) را مصادره کرده بودند، دست به تحریک می زدند.

با در تاریخ ۵۸/۹/۴ امام سیدی حراملی غاصب که زمین های بی فایده و روستا نشین آزاد شده بود بایک حبیب حامل زاندارم، به فرماندهی استوار ترکیلم به روستای ممی رستمولی حمله بروی کوشید تا روستا را سلطه، زمین های آنها را مجدداً تصاحب نماید.

با اینکه حاج فتح الله منتظری معروف (۳۰۰۰ هکتار) روز پنجم ۵۸/۹/۱۱ با تراکتور و زاندارم های آزاد شیر و باغلی مارا، محل زمین های آزاد شده خود میروید که البته با مقاومت روستا نشین روبرو میگردید.

اینها نمونه های کوچک ولی خصلت نما برای رژیم است که با ادعای دفاع از مستضعفین دست در دست زمین داران بزرگ گمبیره سرکود، دهقانان بسته است.

ز اما آنها که در فتنه های آقای خلقی را در دفاع از زابلی های محروم مطالعه کرده و داستان تقسیم مقداری پول را نیز توسط ایشان، در بین زابلی ها شنیده اند، حتماً میخوانند پیش خود حدس بزنند که معطل دیگری که در گذشته برای هماهنگی و تشکیل ثورا های یکپارچه وجود داشته است، کدام بوده است.

نگ واقعتاً اینست که تعدادی از زابلی ها در سالهای اخیر و تعدادی نیز از چند سال گذشته در برخی از مناطق ترکمن صحرا و اطراف آن زندگی می کرده اند.

برخی صاحب شتی بوده و غذای حیوانات کارگران روز مزد به سختی روزگار میکند و اندک زابلی ها عمدتاً در مینودشت، آزاد شیر (شاه پسند سابق) گالیکش و خلاصه در سرسبزین کشید و گرگان زندگی میکنند. طبیعی است که در گذشته با توجه به سطح نازل فرهنگ در سراسر ایران، پاره های پیشداری ها محور مختلف نسبت به این بخش از مردم که حالت

به اصطلاح صاهار داشته اند، وجود داشته است. پیشداری هایی که انواع و اقسام آنرا ما هنوز در گوشه و کنار ایران، در بین خلقها مشاهده می کنیم. ولی واقعتاً دیگر و مهم تر اینست که اینگونه پیشداریها در برابر اراده و عزم راسخ خلق ترکمن برای کسار دستجمعی و مبارزه مشترک علیه زمین داران غاصب، به تدریج رنگ باخته اند و دهقانان ترکمن و زابلی توانسته اند به تدریج همه مشکلات را از پیش پای خود بردارند و در بسیاری از مناطق مشرکا با زابلیها به تاسیس ثوراهای دهقانی اقدام نمایند.

بقیه در صفحه ۴

گشتی بان را سیاستی دگر آمد!

ما در شماره ۸ نشریه جنبش کارگری، به تحلیل روندی که آقای سنی صدر را به ریاست جمهوری رساند پرداختیم و نشان دادیم که چگونه بیگان های برخاسته از مبارزه طبقاتی رو به رشد، چشمان این افسندمار را نشان میدهند.

اکنون با گذشت نزدیک به یک ماه از انتخابات ریاست جمهوری، دیگر بار عرصه کشور را موجی از ترور و حمله به تظاهرات نیروهای مترقی فرا گرفته و جماعتاران مزدور حزب جمهوری اسلامی به فرمان کارگران مرتجع این نهاد ضد مردمی و در راه حفظ منافع تنگ نظران خرد بورژوازی مرده و ابقای هر چه سریعتر مناسبات سرمایه داری وابسته، به میدان آمده اند.

مرتجعیتی که در آستانه جاسازی های انقلابی زحمتکشان ایران، دست در دست سرمایه داران فرو مایه و در کنار هوسوز، طرح انتقال قدرت سیاسی آرام و بدون دخالت توده ها را می رنجند، در

داری وابسته، به میدان آمده اند.

مرتجعیتی که در آستانه جاسازی های انقلابی زحمتکشان ایران، دست در دست سرمایه داران فرو مایه و در کنار هوسوز، طرح انتقال قدرت سیاسی آرام و بدون دخالت توده ها را می رنجند، در

داری وابسته، به میدان آمده اند.

مرتجعیتی که در آستانه جاسازی های انقلابی زحمتکشان ایران، دست در دست سرمایه داران فرو مایه و در کنار هوسوز، طرح انتقال قدرت سیاسی آرام و بدون دخالت توده ها را می رنجند، در

داری وابسته، به میدان آمده اند.

مرتجعیتی که در آستانه جاسازی های انقلابی زحمتکشان ایران، دست در دست سرمایه داران فرو مایه و در کنار هوسوز، طرح انتقال قدرت سیاسی آرام و بدون دخالت توده ها را می رنجند، در

داری وابسته، به میدان آمده اند.

مرتجعیتی که در آستانه جاسازی های انقلابی زحمتکشان ایران، دست در دست سرمایه داران فرو مایه و در کنار هوسوز، طرح انتقال قدرت سیاسی آرام و بدون دخالت توده ها را می رنجند، در

داری وابسته، به میدان آمده اند.

مرتجعیتی که در آستانه جاسازی های انقلابی زحمتکشان ایران، دست در دست سرمایه داران فرو مایه و در کنار هوسوز، طرح انتقال قدرت سیاسی آرام و بدون دخالت توده ها را می رنجند، در

داری وابسته، به میدان آمده اند.

مرتجعیتی که در آستانه جاسازی های انقلابی زحمتکشان ایران، دست در دست سرمایه داران فرو مایه و در کنار هوسوز، طرح انتقال قدرت سیاسی آرام و بدون دخالت توده ها را می رنجند، در

داری وابسته، به میدان آمده اند.

ما در شماره ۸ نشریه جنبش کارگری، به تحلیل روندی که آقای سنی صدر را به ریاست جمهوری رساند پرداختیم و نشان دادیم که چگونه بیگان های برخاسته از مبارزه طبقاتی رو به رشد، چشمان این افسندمار را نشان میدهند.

اکنون با گذشت نزدیک به یک ماه از انتخابات ریاست جمهوری، دیگر بار عرصه کشور را موجی از ترور و حمله به تظاهرات نیروهای مترقی فرا گرفته و جماعتاران مزدور حزب جمهوری اسلامی به فرمان کارگران مرتجع این نهاد ضد مردمی و در راه حفظ منافع تنگ نظران خرد بورژوازی مرده و ابقای هر چه سریعتر مناسبات سرمایه داری وابسته، به میدان آمده اند.

مرتجعیتی که در آستانه جاسازی های انقلابی زحمتکشان ایران، دست در دست سرمایه داران فرو مایه و در کنار هوسوز، طرح انتقال قدرت سیاسی آرام و بدون دخالت توده ها را می رنجند، در

داری وابسته، به میدان آمده اند.

مرتجعیتی که در آستانه جاسازی های انقلابی زحمتکشان ایران، دست در دست سرمایه داران فرو مایه و در کنار هوسوز، طرح انتقال قدرت سیاسی آرام و بدون دخالت توده ها را می رنجند، در

داری وابسته، به میدان آمده اند.

مرتجعیتی که در آستانه جاسازی های انقلابی زحمتکشان ایران، دست در دست سرمایه داران فرو مایه و در کنار هوسوز، طرح انتقال قدرت سیاسی آرام و بدون دخالت توده ها را می رنجند، در

داری وابسته، به میدان آمده اند.

مرتجعیتی که در آستانه جاسازی های انقلابی زحمتکشان ایران، دست در دست سرمایه داران فرو مایه و در کنار هوسوز، طرح انتقال قدرت سیاسی آرام و بدون دخالت توده ها را می رنجند، در

داری وابسته، به میدان آمده اند.

مرتجعیتی که در آستانه جاسازی های انقلابی زحمتکشان ایران، دست در دست سرمایه داران فرو مایه و در کنار هوسوز، طرح انتقال قدرت سیاسی آرام و بدون دخالت توده ها را می رنجند، در

داری وابسته، به میدان آمده اند.

مرتجعیتی که در آستانه جاسازی های انقلابی زحمتکشان ایران، دست در دست سرمایه داران فرو مایه و در کنار هوسوز، طرح انتقال قدرت سیاسی آرام و بدون دخالت توده ها را می رنجند، در

داری وابسته، به میدان آمده اند.

مرتجعیتی که در آستانه جاسازی های انقلابی زحمتکشان ایران، دست در دست سرمایه داران فرو مایه و در کنار هوسوز، طرح انتقال قدرت سیاسی آرام و بدون دخالت توده ها را می رنجند، در

داری وابسته، به میدان آمده اند.

تورم و تازیانه

جامعه سرمایه داری، در صورت رقابت آزاد (قرن های ۱۷-۱۸-۱۹) را، از گذر رقابت قانون عرصه و تقاضا در بازار رقابت کالاها، گاهی به صورت رکود زمستانی به صورت تپه بازی یابیم. سرمایه داران برای دست یابی به سود بیشتر ناگزیر از آوری به تولید بیشترند. و این امر از آنجاکه به شکلی غریزی و ناآگاهانه نسبت به قانونندی دیالکتیکی تولید سرمایه داری انجام می شود، نه نهایتاً به بحران مازاد تولید می انجامد.

تولید بیشتر سرمایه داری، یعنی استثمار هر چه شدیدتر کارگران، یعنی تحدید فزاین تر قدرت خرید این نیروهای بلاواسطه تولید. کاهش قدرت خرید توده اصلی تولید کنندگان جامعه تا اینست که خود را بر کاهش تقاضا به جای می گذارد و در این لحظه روند تولید سرمایه داری با مواجه شدن با عدم تحقق اضافه ارزش، به دلیل به فروتر رسیدن کالاها، درگیر بحران می گردد. البته عمل کردن این قانون ذاتی سرمایه داری در زمانی امکان

بقیه در صفحه ۳

سرمایه داری آن شیوه تولید مشخصی است، که بر پایه اقتصاد باز تولید گسترده به منظور ایجاد اضافه ارزش (سود) قرارداد. هستی این شیوه تولید از رهگذر رقابت توأم با هر دو بازار که متشکل از تولید کنندگان مستقل متعددی است، تداوم می یابد. در این نظام رقابت بین صاحبان سرمایه همچون طبیعت ذاتی این شیوه تولید است و نرخ سود عاملی است که ارتباط و سرریز شدن سرمایه هار به رشته های گوناگون تولید تنظیم میکند.

از آنجاکه هدف تولید سرمایه داری، نه پاسخ گوئی به نیازمندی های توده ای، بلکه خلق هر چه بیشتر اضافه ارزش (سود) است، بنابراین تولید در جامعه سرمایه داری به گونه ای در هم ریخته توأم با هر دو طرح است. هر چه و هر چه که تا نابودی کامل این نظام همچون قانون هم زاد سرمایه داری، با ساخت جانیسی پابرجایی خواهد داشت.

نمود های برخاسته از طبیعت متضاد تولید کور کورانه

بیکاری و طرح دولت

دادند و شبها در ذهن خود به حل این مشکلات ناخن آمدند، می خواهند هنوز هم همان روش را ادامه دهند. تنها تغییر بزرگی که در سیاست حل مشکلات از طریق سخنرانی صورت گرفته است، در تغییر سخنران است. با انتخاب جناب بنی صدر، این اقتصاد دان، فقیه، جامعه شناس و سیاست مدار بزرگ قرن به ریاست جمهوری، وظیفه حل مشکلات در حرف به عبده ایشان واگذار شده است.

ایشان در هنگام افتتاح سمینار استانداران باز همان کلی گوئی های همیشگی شان را تکرار فرمودند.

ولی قیافه حالت و رایج برای این برنامه جناب ریاست جانیسی وزیر کشور بودند: ایشان در سخنرانی بی محتوی خود بکلی متوجه بیکاری شدند و فرمودند که این شایعه ای

بقیه در صفحه ۴

ظلالی، عبارت برد از بهای توخالی، نزاع های درونی برای بیرون راندن رقیب از بسند قدرت، اصلاحات بدون هدف و بی معنی اداری، جایگزین کردن رئیس این اداره با آن اداره، توپخانه علیه خلق های ایران و نیروهای مترقی و... به بطالت بگذرانند و ملیارد هاتومان به این مردم بلا زده خسارت وارد آورند و کشور را به ویرانی بیشتر بکشاند و به مشکلات و معضلات عدیده آن بیفزایند، اکنون بطور ملموس حس می کنند که دوران ماه عمل آنان سپری شده است. آنان مشاهده می کنند که مردمی که روزی ره پیمان های ملیونی برای پیشگیری از نخست وزیر بازرگان برای انداختن دسته دسته برای رای دادن به رفرا اند، رنگارنگ و میهم و رنگ به پای صندوق های رای میزنند، با گذشت هر روز و هر هفته امیدشان از این دستگاه در

ظلالی، عبارت برد از بهای توخالی، نزاع های درونی برای بیرون راندن رقیب از بسند قدرت، اصلاحات بدون هدف و بی معنی اداری، جایگزین کردن رئیس این اداره با آن اداره، توپخانه علیه خلق های ایران و نیروهای مترقی و... به بطالت بگذرانند و ملیارد هاتومان به این مردم بلا زده خسارت وارد آورند و کشور را به ویرانی بیشتر بکشاند و به مشکلات و معضلات عدیده آن بیفزایند، اکنون بطور ملموس حس می کنند که دوران ماه عمل آنان سپری شده است. آنان مشاهده می کنند که مردمی که روزی ره پیمان های ملیونی برای پیشگیری از نخست وزیر بازرگان برای انداختن دسته دسته برای رای دادن به رفرا اند، رنگارنگ و میهم و رنگ به پای صندوق های رای میزنند، با گذشت هر روز و هر هفته امیدشان از این دستگاه در

بقیه در صفحه ۴

مصلحت بیکاری در کار معضلات دیگری چون بالا رفتن قیمت ها، کمبود مسکن، کمبود مواد غذایی و مصرفی اولیه، بی ویران حاکم در کشور و دستگاه های دولتی و اصولاً فقدان دولت، رکود اقتصادی، تحمیل هزینه های سنگین زمان واحد های صنعتی که اکنون در دست دولت قرار دارد و ماهیانه بالغ بر صد هالیون تومان می باشد، بر بودجه دولت که همگی ناشی از بی معنی و بی کفایتی مسئولان امر و فقدان یک برنامه اقتصادی است. اینها همه مشکلاتی است که در روز بروز بر مردم کوشی تنگ تری می کند.

اینها همه مشکلاتی است که در روز بروز بر مردم کوشی تنگ تری می کند. اینها همه مشکلاتی است که در روز بروز بر مردم کوشی تنگ تری می کند. اینها همه مشکلاتی است که در روز بروز بر مردم کوشی تنگ تری می کند.

بقیه در صفحه ۴

ترور فاشیستی انقلابیون خلق ترکمن را محکوم میکنیم

بیکاری و . . .

است که "مخالفان" که ترجمه سیاسی آن همان نیروهای اصیل انقلابی است، در جامعه روح داد و ست و برای اثبات این ادعاهای درونونه ذکر نمودند. یکی آموزگاری بوده است که در یکی از نقاط کشور درم دردی بسا بیکاران در تحریک آنان شرکت کرده است و مورد دیگر شخص شاغلی بوده است که بجای پسر عموی بیکارتر به تحصن کنندگان بیکار پیوسته است. البته باتمام دروغ هائی که در این مدت مردم از مسئولین امر انزخست وزیر گرفته تا باسداران انقلاب شنیده اند صحت و سقم این مدعی به عهده خود ایشان است. و اما ایشان بکلی فراموش کرده اند که در سیمیناری داد سخن میدهند که اصولا برای بررسی طرح اشتغال بیکاران تشکیل شده است !!

اولین نکته ای که در برخورد با طرح اشتغال بیکاران جلب توجه می کند ، این است که چرا با وجود وزارتخانه های کار ، صنایع و معادن ، کشاورزی ، اقتصاد و سازمان برنامه ، وزارت کشور که در هیچ بخششی از وظایف مسائل اقتصادی کشور فرزندارند مسئول ارائه طرح های اقتصادی برای اشتغال بیکاران شده است. ممکن است ذکر این موضوع به بهانه جوئی تلقی شود . مهم این است که مشکلی حل شود چه تفاوت می کند که این مشکل بدست این یا آن وزارتخانه حل شود . واقعا هم شاید فرقی نکند . ولی مطالعه دقیقتر جزئیات طرح به شکلی که درجارید کشور نمکن شده است نشان می دهد که طرح ارائه شده که یک بودجه چهار میلیارد تومانی به برای آن در نظر گرفته شده است ، طرحی برای حل مشکل اساسی بیکاری در رابطه بسا یک برنامه جامع اقتصادی نیست . بلکه هدف بند کردن دست عده ای از بیکاران است که موی دماغ این رژیم شده اند .

آقای دکتر شایبورد معاون عمرانی وزارت کشور در مورد طرح اشتغال بیکاران که نام آنرا " طرح تعاونی های دولت " گذارده اند می گویند :

بر اساس طرحی که وزارت کشور حدود یکماه قبل در شورای انقلاب به تصویب رسانده است کلیه بیکاران کشور در استان های خود بسا استانداردی ها مراجعه خواهند کرد و در گروه های خواهند داد فرار است در هر استان بیکاران بیکار می آیند . در این مرحله خود کلاسی در اختیار تعاونی های استان ، گذارده شود . انتخاب شغل از سوی بیکاران کاملا اختیاری است و هیچ الزامی وجود ندارد . بعد از تشکیل هر شرکت تعاونی دولت ، دولت به اندازه ضروری وام در اختیار شرکتی آن می گذارد که جنبه تفریح الحسنه دارد .

بنابراین اساس طرح مزبور بر خلاف نام " تعاونی های دولتی " که بر آن گذارده اند ، ایجاد شرکت های خصوصی است که سرمایه آنرا نیز دولت از بیت المال مسلمین به رایگان یعنی بدون بهره در اختیار سرمایه داران جدید قرار می دهد . برخلاف آنچه که ایدئولوگ ها و تئورسین های اقتصاد اسلام می داند ، اقتصاد اسلام می آید به جهت انحصار سرمایه داری نیست ، بلکه در جهت تثبیت و توسعه آن است . در اقتصاد اسلام می آید سرمایه کوچک سرمایه نیست نمی تواند بزرگ شود .

تفرافادی را که آشنائی باهم ندارند و معلم نیست بتوانند به مثابه افراد متساوی الحقوق در یک شرکت بسا هم همکاری کنند را در یک جا جمع کنند . خود طراحان این طرح هم این فرزند بیخ خود را خیلی جدی تلقی نمی کنند . آقای دکتر شایبورد در انتظاراتی که از اجرای این طرح دارند می فرمایند " این طرح حداقل از نظر دولت در این رابطه که بجای پشت میز نشینی ، عضو شاغل و تولید کننده تربیت می شود ، حائز اهمیت است . " اگر دولت بخواهد از طریق اجرای این طرح ، اشتغال برای دو میلیون بیکاری که طبق آمار کارکنان فارغ التحصیلان ، حداقل بیکاران کشور را تشکیل میدهد ایجاد نماید همان گونه که نشان دادیم مزاحی بیشتر نیست و اگر هدف قرار دادن سرمایه بیشتری در اختیار بخش کوچکی از بیکاران باشد که با معیارهای اقتصاد سرمایه داری مطابقت دارد ، در این صورت دیگر نمیتوان از طرح چهار میلیاردی برای رفع بیکاری در کشور سخن گفت .

مشکل بیکاری تنها میتوانست در رابطه با اجرای یک برنامه اقتصادی در سطح کل کشور بطور اساسی حل شود و طرح های کودکانه ای چون طرح وزارت کشور جز حیف و میل میلیارد ها تومان پول از بودجه ای کشور فقیر نتیجه دیگری عاید جامعه نخواهد کرد و هم آنگونه که تجربه فرب به یکسال حکومت خرد بورژوازی و پس گر حتی به طرفداران بر ویا قرآن آن نیز نشان داده است ، حکومت کونی قادر به حل مشکلات جامعه نمی باشد . زیرا شرط اساسی گام برداشتن در جهت حل معضلاتی که جامعه با آن روبرو است برانداختن مناسبات سرمایه داری حاکم بر جامعه است و این امر تنها با بدست گرفتن حاکمیت سیاسی بسا وسیله بولتاریای انقلابی در اتحاد با دهقانان بسا چیز و زحمت گشتان شهری ممکن خواهد شد .

اگر تعداد بیکارانی که می توانند از این طرح استفاده کنند را دو میلیون بگیریم چهار میلیارد تومان بودجه ای که برای اجرای این طرح در نظر گرفته شده است را میان آنان تقسیم کنیم به هر یک دوهزار تومان می رسد . بنابراین شرکت های ده نفره سرمایه ای معادل بیست هزار تومان و شرکت های پنجاه نفره سرمایه ای معادل صد هزار تومان خواهند داشت . حال بسا سرمایه ای معادل بیست هزار تومان در حداقل آن و سرمایه های معادل صد هزار تومان در حداقل آن ، چه نوع طرح های زراعی و صنعتی را می توان عملی ساخت که بسا خود کلاسی استان ها و در نتیجه به خود کلاسی کل کشور بیانجامد ، مسئله ای است که جناب رفسنجانی و اقتصاد دان کبیر جناب بنی صدر باید به آن پاسخ گویند .

حال فرض کنیم که به سرمایه ی هفترده ماهانه طبق اصول اقتصاد اسلام می ده درصد سود تعلق می گیرد . بدین ترتیب به هر دوهزار تومان در ماه دست تومان سود تعلق می گیرد و فرض کنیم که سرمایه داران جدید بسا اصل فرخ را که از دولت گرفته اند نیز بپردازند و مبلغی هم برای استهلاک ابزار کار تهیه مواد خام از دست تومان سود عاید شده کار نگذارند ، آیا این دست تومان کفاف مخارج آنان را میدهد .

از طرف دیگر چه رابطه منطقی و واقعی میان مقدار بیکاری یک استان و تعداد طرح های زراعی و صنعتی که می تواند در آن استان بادر نظر گرفتن غوا بسا اقتصادی به مورد اجرا گذارده شود می توان برقرار کرد که از این طریق بتوان تمام بیکاران آن استان را به کار مشغول کرد . مشکل دیگری که به چشم می خورد اینست که بر طبق چه محاسباتی طراحان این طرح عجیب و غریب و " انقلابی " می خواهند دوبلا پنجاه

در گنبد خونین . . .

ما در اینجا بطور نمونه تنها به سه مورد اشاره می کنیم :

در تاریخ ۵۸/۸/۲۳ زحمتکشان زابلی و بلوچ ، ساکنان سازمان های واقع در فاصله دیکه بسا و انبار اولوم که تعداد آنها بالغ بر ۳۰۰۰ خانوار می بود ، با دعوت از نماینده ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا ، شورای سراسری خود را تشکیل دادند و همسنگی خود را نیز با اتحادیه بسی شیروان اعلام کردند .

زحمتکشان بلوچ و زابلی در کلاله ، زمین هائی را که تا آن زمان بسا وسیله شمار زحمتکشان سرهنگ حسینی - حاج احمد شفاهی و میلانی و شایبور غصب شده بود آزاد کرده و مشرکا بسا شروع به شخم زدن زمین ها کردند .

و بالاخره نمونه سوم اتحادیه دیگر است که در این مورد نیز دهقانان بلوچ و زابلی ساکن در شرکت صحرا که بر روسیه ۵۰ خانوار می شود ، شورای خود را تشکیل داده اند .

بنابر این باید به آقای خلخالی گفت که " مدی ولی دیر آمدی " دیگر بسا تحریک زابلی علیه بلوچ و تقسیم چند اسکانسین زابلی ها قادر نخواهی شد غیر از شاید چند عنصر نا آگاه ، بسا بیوزی را که در مبارزه ای مشترک بدست آمده است ، خرد و نابود کنی . و بالاخره اگر زمین داران - مناسفانه در گذشته قادر شده بودند ، معدودی از کارگرهای خاصمانی بیکار ترک را در گنبد بفرسیند ، بسا ست تفرقه بینداز و حکومت کن خلخالی و خلخالی ها قطعا بسا شکست مواجه خواهد شد .

و اما شوراهای صرف نظر از مبارزه علیه زمین داران بزرگ ، در زمینه فرهنگی یعنی سواد آموزی و تاسیس کتابخانه های مختلف بسا گامهای موثری برداشتند . میزان نفوذ ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا را در درون شوراهای زحمتکشان همچنین میتوان در شرکت وسع روستا نشان در راهیماشی بکشه ۵۸/۱۰/۶ در گنبد مشاهده کرد . در این راهیماشی که بسا شرکت بسینار ۴۰۰۰ نفر از زحمتکشان و دهقانان مبارز شهر و روستای ترکمن صحرا برگزار شد ، زابلی ها نیز شرکت داشتند .

سعدادی از شمارهای این راهیماشی که از مقابل ستاد آغاز شد عبارت بود از : سولمک ، خالماقی ، اوستین بیکشین قازانماقی (اتحاد - مبارزه - پیروزی) با آلرس یا اولرس ، آخر خود مختار بولرس (با برگ بسا خود مختاری) کرد و بلوچ و ترکمن ، ترک و عرب متحدا علیه امپریالیسم .

شرکت وسع شوراهای زحمتکشان در این راهیماشی از بسا مترجمین و زمین داران منطقه و از سوی دیگر حکومت مرکزی را بوحشت انداخت .

زمین داران در اتحاد و همسنگی دهقانان شکست خود را می دیدند و حکومت مرکزی که به نوعی خواستار تعدیل نفوذ زمین داران بزرگ بود ، فقط خرد کردن زمین را در بسا دهقان های جداگانه می پسندید و اداره اشتراکی و بسا صلاح شورائی را خطری برای کسب نظام موجود محسوب می نمود و این شد که بسا عوامل دولتی آخوندهای مرتجع از بسا و عمال فرب خورده و مزدور زمین داران از دیگر سو ، نوعی همگامی و همسویی علیه دهقانان و زحمتکشان بدید آمد . و ثابت شد که آنجا که پای دفاع از سرمایه و سرمایه داری ، امع از کوچک و بزرگ آن در میان است ، آنجا که پای سرکوب زحمتکشان و رنجبران در میان است اختلافات در میان برمی خیزد و طرفداران شرعتمداری و حزب اللهی ها در

خلق ترکمن پیروز است

خبر کوتاه بود : چهارتن از بهترین فرزندان خلق ترکمن را عدام کردند ، این جنایت ، این جنایت موشی دوزمانی اتفاق می افتد که زحمتکشان ترکمن صحرا بگنبد در بوضیات تیر بارها و خیاره اندازهای آدمگشان حرقه ای ، نظامیان و پاسداران ارتجاع قرارداد .

آنها ساعت ۲ امداد روز ۱۱ بهمن ، یعنی چندین ساعت قبل از وقوع درگیری ، عبدالحکیم مختوم ، درخشنده توپاج ، جرجانی و واحدی را دستگیر ساختند . خرید سنگری آنها در تاریخ چهارشنبه اول اسفندماه ۱۳۵۸ بسا وسیله کانون سیاسی و فرهنگی خلق ترکمن ، ضمن انتشار اعلامیه ای در این مورد ، اعلام شده بود . مردم ایران همه آنهائی که می خواستند بداند ، می دانستند که آنها در جنگال چه کسانی اسیر هستند .

واکنش این صحنه سازی های تکراری و این عوام فربس های مبتذل و تبوع آور هیچکسانی توانست بفهمد ، همچنانکه آدمگشان و جلا دان رزم شاه نیز هیچگاه نتوانستند ، دست های آغشته به خون خود را از دیدگان خلق های قهرمان ایران مخفی دارند .

رئیس که شوراهای دهقانی و نهادهای مردمی را با توب و تانک مورد هجوم قرار می دهد ، رئیس که منازل مردم را با خاک یکسان می کند ، رئیس که تعیین سرزوش خلق هاراحق مسلم و مشروع خود می دانند ، البته به انقلابی بیونی که زندگیشان را در خدمت دهقان های ستم دیده و زحمتکشان قرارداد اند ، کینه می ورزد . آنها را دشمن می دارد و خواستار سزای و نابودی آنها می باشد . آری چنین است منطق مرتجعین ، در ایران ، در سراسر جهان و در کلیه اعمار .

گاه عبدالحکیم مختم ، درخشنده توپاج ، جرجانی و واحدی این بود که در قلب زحمتکشان جای داشتند ، گاه آنها این بود که دهقانان راحاکم بر سرزوش خود می خواستند ، گاه آنها این بود که شوراهای دهقانی را در سراسر ترکمن صحرا هرچه استوار تر هر چه گسترده تر می خواستند .

واکنش که از آنها جسدی بی جان برجای مانده است ، مرتجعین تصور نکند که چون " رهبران کشته شده اند ، کارزوده هاساخته است " . که این منطق ارتجاعی نیز همراه با کلیه نهاد های ارتجاعی ضد انقلابی درم شکسته شده و به زیاده دان تاریخ ریخته خواهد شد .

کلیه خلق هارزحمتکشان ایران مبارزات خلق ترکمن را از مبارزات خود جدا نمی دانند و با تمام نیرو از آنها حمایت به عمل می آورند و فرمانده جدید کل قوا نیز بدانند که تاریخ همواره آنها را که بر روی توده های مردم تیغ کشیده اند گوشمالی سختی داده است .

درو به خاطر ره کلیه شهدای خلق
پیروز باد مبارزه حق طلبانه خلق ترکمن
برقرار باد شوراهای دهقانی ترکمن صحرا
مهرگه بسا ارتجاع
مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا
سازمان مبارزه برای ایجاد جنبش مستقل کارگری



فراری از زندان، دست اندازی بر رادیو و تلو - بیژن سر ستانه ترین حملات خوبی را علیه کمونیستها، این انقلابی ترین و افشاگر ترین نیروها بکار بستند .

در کنار این جریان ، سرمایه داران غیر انحصاری نیز با بدست گرفتن اهرمهای اجرائی ، سعی در مهار کردن انرژی انقلابی توده ها ، به کمک حفظ و باز سازی نهادهای اداری - نظامی عمر شاه داشتند و در این روند از رهنمودهای سفارتخانه آمریکا نیز بهره مند بودند .

بی دلیل نبود و نیست که این دو جریان عمیقاً و مابینا ضد توده ای ، برغم تضادهای موزنی دست در دست هم بر فواز گور بیش از شصت هزار کشته به پایکوبی مشغول بودند این دو نیرو از پیش با هم آشنا شده بودند؛ در پای میز مذاکره با یکی هویزر ، در سر راه های سفارتخانه آمریکا

و در محافل شبانه بحث در زمینه چگونگی مهار کردن توده های بخشم آمدو خواستار انقلاب ، فرار بر این بود تا کارگزاران حزب جمهوری اسلامی در جریان انقلاب ، نقش نیروی ذهنی فریب دهنده توده ها را ایفا کند . توده ها را از دادن شعارهای

شیراسلامی منع کنند ، از تخریب مراکز سرکوب رژیم شوروا و خنق شاهنشاهی بدست مردم جلویگری ضابطند ، در تظاهرات میلیونی متفکفرا (بخوان کمونیست ها) را از مسلمین جدا نمایند ، در دانشگاه

توده ها را از آبی گیری بحث های افشاکنده که از سوی انقلابیون ایراد می شد ، با شعار توام با جاق " سخت بعد از مرگ شاه " ، برخورد دارند و چنین

کسروندند .

از سوی دیگر آقای بازرگان و همکاران " آزادی خواهان " در شیفت آزادی می باستی باستانی بنا

انزوال های شاه پرست و ارتشپانی که بر سر مطلق آمد و گذار مصلحت آمیز قدرت را پذیرفته بودند دستگاه های سرکوب امپریالیسم پرورده را

برای حفظ منافع سرمایه داری جهانی از آسیب توده ها مومن نگهدارند .

تاریخ ، اما ، عزم بیکار طبقه ای است . کارگران انقلابی ، دهقانان ستون کشیده و خلق های کشور ما بزودی علیه ائتلاف نامقدس خرده بورژوازی سه قدرت رسیده و سوزواری در کمین قدرت ، موضع گرفتند و این مبارزه راهروزی آشکار و پنهان پیش

ناشسته اند .

آقای بنی صدر ، اما ، سیاست سرکوب آشکار رانسی

مبارزینند . ایشان طرفدار ربحت آزاد بودند و هم از امپریواستند آرای بخش اعظمی از نیروهای

انگراتیک را نیز از آن خود کردند . اما مقاصد کمونیست های انقلابی درباره افراد هرگز نه بر

باید گفتارها و ادعا ها تا نیست بلکه منکی بر این واقعیت است ، که سرانجام این گفتارها و ادعا

داشت ها از کد مین منشا طبقه ای برمی خیزد و بر سه ما علیه کدامین طبقه بکار گرفته می شود .

آقای بنی صدر پیش از تصدی سمت ریاست جمهوری ، به عنوان انشورویسی اقتصاد دوحدی ، علیه سیاست اقتصادی شاه - امپریالیسم ، از موضع خرده بورژوازی به تنگ آمده از گسترش بی وقفه سرمایه انحصاری فریادمی کشید . اما ، اکنون ، در مقام ریاست جمهوری روی آوردن به اروپا و

کشتی بان را

کمونیست های انقلابی از آغاز دخالت کودتا گرایانه شوروی در افغانستان ، علیه این اقدام موضع گرفتند اما از دیگرسو هرگز خواهان تثبیت موقعیت

سران عشا بر وزمین داران جامعه عقب مانده افغانستان نیستند . کمونیست های انقلابی تنها مبارزه توده های ستم دیده افغانی را علیه

بندهای نظام قرون وسطایی و به مدد آگاهی نوین این توده ها از طریق تداوم فعالیت تبلیغی و ترویجی روشنفکران انقلابی در میان توده های فقیر

افغان را ، زمینه سازهای جامعه افغانستان ارفیود ظلم و استثمار می دانند . اما آقای بنی صدر به چه نیروی در افغانستان دل بسته و به کدامین

جریان مرفهی یک نظامی می دهد؟

آقای ریاست جمهوری طالب مذاکره با اپوزیسیون ، به مخفی انتخاب شدن به عنوان اولین ریاست جمهوری ایران ، علیه خلق های ستم دیده ایران

موضع گرفتند و آنان را به اتهام موهوم تجزیه طلبی مورد حمله قرار دادند . ایشان اخیراً با

تصدی مقام فرماندهی کل قوا ، آگاهانه و در کنار سرکوب گرانی چون چمران ، خامنه ای و خلغالی

فرمان هجوم و قتل عام خلق ترکمن راهم جان به بهانه تجزیه طلبی صادر کردند .

در شرایطی که خلق ستم دیده ترکمن در راه حاکمیت بر سر توش خلقی و از طریق تشکیل شوراهای

بهنانی دست به خلق بد کامل از زمین داران بزرگ شت برورده می زند ، در آنجا که ، نظف تولید

جمعی در کشاورزی به منابه الگوهای نویسن حاکمیت زحمت گشان می رفت تا جوا نه های جامعه

انقلابی فردا را شکوفان کند ، در موقعیتی که سیاست ارضی جمهوری اسلامی ، همانند سیاست تقسیم زمین

شاه - امپریالیسم هیچگونه تغییر در هشتانی معیشتی دهقانان این سرزمین موجب نگردیده بود

و در آن هنگام که تداوم بیکار طبقه ای ، آقای خامنه ای را بعنوان رئیس سپاه پاسداران ، و اادار

به تبلیح سران عشا بر بزرگ مالکان می کرد ، آقای بنی صدر نیز جناح استعمار گران را می گیرند

و به اصطلاح از موضع قدرت رای به نابودی دفتر فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن می دهند .

آقای ریاست جمهوری در حالیکه در هر سخنرانی اپوزیسیون را دعوت به آرا من و جفاک داران حزب

جمهوری اسلامی را از جمله به تظاهرات منع می کند ، در مقابل توطئه و تزویر جامعه آمیز چهار رتنن از

بان راسیاستی دگر آمده " است : تن دادن به سرکوب آشکار و توجیه آن از طریق محکوم ساختن

خلق ها و نیروهای انقلابی .

انگس که در آرزوی پوشیدن لباس مدق بود ، اینک در ردای قوام اللطنه ظاهر شده است . تاریخ

تکرار نمی شود . مدق شکست خورد و ایران امروز را نمی توان با چهره های مدق گونه نجات داد .

نجات ایران بدست کارگران انقلابی ، دهقانان سرکوب شده و زحمت گشان فقیر شهری است و در این

روند توسل به سیاست کهنه سرکوب و نای فندی بردی رادوا می کند .

امروز پیش از پیش ، آنچه را که ماقبل و پس از انتخابات ریاست جمهوری عنوان کردیم ، در سوز

مردم و نیروهای مترقی آشکار می شود . آری بدرستی سیاست سرکوب آقای بنی صدر یعنی ترولوس سراز

مشی توزیع نان فندی بین مردم است و مشی اخیر تنها به دلیل نزدیک شدن آقای بنی صدر به آن بخش

از نیروهای که توان درک از ماهیت کثونی جامعه ما و چگونگی تداوم مبارزه طبقه ای در آن ندارند ، به کار گرفته می شود .

حمله و تهاجمی که در هفته گذشته به تظاهرات سازمان معاهدین خلق در تهران و چند شهر دیگر

صورت گرفت ، آقای بنی صدر را بر آن داشت ، تا در نطق خویش در مراسم نماز جمعه ، این نیروی

بالتفوه وحدت گرا با خویش را دلنداری دهد و حمله کنندگان به تظاهرات را " صد انقلابی " قلمداد

کند . جالب اینجاست که وزیر کشور مرتجع نیز یکباره حمله کنندگان به تظاهرات را " امریکائی "

می خواند . با این همه ما به سازمان معاهدین خلق هشدار می دهیم ، که جامعه بر تلامذ ما ، درگیر

آشکارترین مبارزه طبقه ای است و آنچه در ترکمن صحرا و کیند گذشت ، آنچه که چهار تن از مبارزین

انقلابی خلق ترکمن را از دانه به خون کشید ، گویای این امر است . ما به این سازمان هشدار

می دهیم که لیبرالیسم بنی صدری در وضع کنونی نه پایدار است و نه واقعی .

ما همچنان به آن نیروهای که چشم بسته دل به معجزه تاریخی خرده بورژوازی حاکم سپرده اند ، نیز هشدار می دهیم که آنچه در کمیند روی داد ، تداوم همان سیاسی است که کردستان را به آتش کشید و

در این خاطر کوب گران به روشنی جای پای خرده بورژوازی حاکم هویدا است .

تورم و

پذیراست که جنبش کارگری ، حداقل در عرصه اقتصادی وسندیکالیستی ، وجود نداشته باشد . در فیر این صورت رشد مبارزه طبقه ای کارگران همواره در جهت تعدیل این

قانون گام برمی دارد .

بنابراین دیده می شود که تولید توام با هرج و مرج سرمایه داری در عرصه رقابت آزاد ، بیکران گدگرگسا ،

تنگ رکود به تورم و مسیوعکس انراطی می کند . در این دوره از هستی مناسبات سرمایه داری ، تعادل اقتصادی امری است ذهنی ، اما ، این برداشت ذهنی از تعادل

اقتصادی که اقتصاد دانان بورژوازی آن را تایید می کنند ، هرگز به این مفهوم نیست که وضع بحران

تورم در اقتصاد سرمایه داری همواره این نظام را دچار بحران ساختن می کند .

غرض از بحران ساختن در نظام سرمایه داری ، آن گونه بحرانی است که سرمایه داری به سختی می تواند با

توسل به ابزارهای متعارف مالی یا پولی وارد ریح شده روند رقابت بین سرمایه ها ، آتزاز سرنگراند ، در بیشتر

مواقع می توان بحران ساختن سرمایه داری را با وضع انقلابی که لنین آنرا جمع بندی کرده است یکسان دانست .

سرمایه داری در عرقین نوزدهم ، در بی روشد تراکم و تمرکز سرمایه در دست سرمایه داری چندانیان

سرمایه داران متعدد ، با به مرحله امپریالیسم می گذارند ، ویژگی عصر امپریالیسم را رشد انحصارها و بسطه تزیاند ،

آنها در عرصه بازار داخل و جهانی مشخص می کند . اما هرگز در از عصر رقابت آزاد به عصر سرمایه داری انحصاری

(امپریالیسم) به مفهوم نفی رقابت ، یعنی طبیعت درونی سرمایه داری نیست . سرمایه داری عصر

انحصار هرگز از یک سازمان دهی تولیدی که ناقصی هرج و مرج تولید در بازار باشد برخوردار نیست ،

بلکه امپریالیسم با تحدید کنی سرمایه داران پراکنده و از طریق ایجاد نهاد های انحصاری تولیدی ، تنها

رقابت ناقص را جایگزین رقابت کامل ، که از طریق مکانیسم افزایش یا کاهش قیمت ها در بازار مسا یان می گردید ، ساخته است .

در عصر امپریالیسم ، حاکمیت انحصارها بر بازار تولیدی و توزیع کالاها ، دیگر تابع بازی آزادانه مکانیسم عرضه

و تقاضای کالا ها در این گونه بازارها نیست ، بلکه اکنون انحصارات سرمایه داری با سلطه کامل بر حجم تولیدی

و تعیین خود سرانه قیمت ها ، محصول خود را با بهای مورد نظر به مصرف کننده تحویل می کنند .

جنبش کاری

تورم و ...

آقای بنی صدرو حاکمیت سیاسی باجنگ و دزدان در نقد نجات و بازسازی آن از سوی کمک های بازار مشترک لاریان هستند .

سیاست اقتصادی آقای بنی صدر در سه ماه گذشته هر چه بیشتر بر تورم افزوده است . نه کشاورزی فردی کوچک و نه سهم شدن در سود کارخانه جات در دفتر عموس ران تخفیف داده و نه جای گزینی کارمزد به جای بهره . از قیمت اجاره اطاق محققان گران و زحمت کسان شهری کاسته است .

حتی اگر بپذیریم که دستمزد تمام کارگران ایران در سطح ۵۷۶ ریال تثبیت شده ، که کذب محض است ، سؤال ماین است ، که در شرایطی که اجاره یک اطاق در جنوب شهر ماهیانه بانصد تومان ، بهای یک کیلوگرم تقیبا ۲۵۰ ریال ، بهای یک کیلو تخم مرغ ۱۸۰ ریال و ... است ، چگونه " دولت مستضعفین " مدعی طرفداری از محرومین است ؟

در شرایطی که محکمین جانماز آبکش ، به بهای سه روزی توده های گرسنه و زجر کشیده ما ، کوله بارش سر و باد آورده خود را می بندند ، چرا جمهوری اسلامی به سیاق آریامهر فراری ، با ساداران رامامور شلاق زدن گران فروشان می کند ، اما باجنگ و دزدان به بازسازی اقتصاد وابسته همت گماشته اند ؟

چرا وزیر نفت " انقلابی " به مردمی که برای تهیه سوخت ملی خویش ، به دلیل فساد بی لیاقتی کارگران جنبش اسلامی ، نماگر برند در صف های طولی نفت با بسته اتهام ضدانقلابی می زند ؟ چرا بیبیکارانی که برای ارتزاق زندگی ناگزیر به فروش دوره گردی نفت هستند ، اتهام مخالفت با جمهوری اسلامی رانثار می کند ؟ لایحه یادآوری است که در جنوب شهر تهران کتومیت سران از شعبه های رسمی فرورفت و باحتی قصاصی مجاز نشود . گوشت اثری یافت .

تورم وی کاری دروازه ساختاری نظام سرمایه داری وابسته رانتهابا واگرایی این نظام می توان ریشه کن ساخت . و تنها حاکمیت سیاسی بولتاریای انقلابی یاری حل تنگنای اقتصادی ورفاه توده ای را داران خرد بورژوازی به تبعیت از هستی طبقاتی اثر هرگز نخواهد توانست اقتصاد جز اقتصاد وابسته آریامهری را تدام بخشد .

در گنبد خونین ...

در جریان کشمکشهایی که روی داد ، ناگهان یکی از سه راهی ها در دست یکی از عناصر مزیسور منفجر شده و منجر به قتل دو نفر و زخمی شدن چند نفر دیگر گردید . و به مجرد وقوع این حادثه یکی از فالانژها اعلام می کند که باید ستاد ترکمن ها را داغان کرد .

راه پیمایان که توطئه ای را در ترف تکیوس میبندند ، از راه پیمای خود فریفتن کرده و دور محوطه کانون فرهنگی تخریبی تخریب می کنند و موفق به دفع حملات مرتجعین می شوند . روز بعد یعنی شنبه بیستم همین ماه ناگهان در سراسر ایران ، از طریق واصل تللیفاتی تحت تاثیر رژیم ، این خبر جعلی منتشر می شود که گویا ترکمن ها به پاسداران حمله کرده و عده ای از آنها را نیز به قتل رسانیده اند . امری که باعث برانگیخته شدن خشم رحمت کسان ترکمن میگردد .

روز ۲۱ همین پاسداران عده ای از اعضا مرتجع آباد (قصاب آباد) را تسبیح کرده و آنها در محبت پاسداران بصورت سلحانه به کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن حمله ور میگرددند . در این مرحله ترکمن ها نیز ار خود بدعا برخاسته و کولوله را با کولوله پاسخ میگویند ، و حمله دفع نمود .

بعدها رطهور و ریکشده ارتا هرودوگرکان و کالیگلسن

سیستم توزیع خرد بورژوازی در عرصه کالاها را ، زسر غریبه گرفت . و مبارزه باگران فروش با بوق و کرنا به هوا برخاست . تا بلوی " این واحد صنفی به علت گرانفروشی تعطیل شد " بر سر درمغازه ها آریخته شد . شاه به رسم خشیاری شاه که تا زمانه بردر بازار تا خشم در بافرورتنشید ، جماعت دیکتاتوری سیاسی را بر سر خرد بورژوازی تجاری فرود آورد تا زشتاب تورم بکاهد . آری دن کیشوت به جنگ قانونمندی های اقتصادی رفت .

در سال گذشته دن کیشوت با چشمانی گریان عرصه بیقرار ارتک کرد . اما قانونمندی های اقتصاد وابسته به امپریالیسم ، اینک سرفراز تر از بورژوازیه نفس به دلیل بحران اقتصادی تشدید شده ، بوسیله قیام ، هل من مبارزی طلید .

ارتیه شوخ امپریالیسم را " دولت انقلابی " مال خود کرد . از کارگران خواست که به رقم فشار سرنیزه با ساداران ، به کار خود در کارخانه جات " ملی شده " بیفزایند . از هفا نان تقاضا نکند در هر جا هستند گندم بکارند که به امید خدا سبز خواهد شد . و شکم های گرسنه را سیر خواهد کرد . از تجار خرد ، پای مسلمان خواهر کردند که لطفاً بر مستضعفین منت گذارند و از احتکار و گران فروش حذر کنند .

خرد بورژوازی به قدرت خیزد و اقتصاد دان توحید با ن ، به لباس دن کیشوت درآمدند . در حالیکه تمام روابط ساختاری وابسته را در عرصه اقتصاد سیاسی دارند ، از مبارزه با آمریکا " دو ابر قدرت " دم می زندند !

اینک در شرایطی که بیش از سه میلیون بی کار در جامعه برانگه اند ، کم یابی کالا بیزارش ، زحمت کسان راه برزینستی واقعی می کشاند . ارتیه شو اقتصاد وابسته و زبونی خرد بورژوازی و پس گران در حل تنگنای های اساسی اقتصادی جامعه ما ، کار را بد انجام رسانده که آقای ریاست جمهوری ، به فکر ایجاد رابطه با ورز و وایان افتاده اند ، تا به مدد آنان گره از مشکل اقتصادی بازگشایند . غافل از آنکه هر آنچه امروز به صورت بی کاری رویه تراید و تورم سرگجه آوردیسته بندی های عوام فربانه خرد بورژوازی به توده های محرم ایران هدیه می شود ، بازتاب نظامی است که

یک سوه تخریب و نابودی تولید کنندگان خرد ، بسا نابودی کشاورزی متکی به تولید معیشتی مقابل سرمایه داری می انجامید ، حال آنکه از دیگر سو ، به دلیل کاربرد گسترده ابزار کار پیشرفته در درون صنایع ، قادر به جذب نیروی انسانی رهانده از کارگاه های تولیدی کوچک و دهقانان رانده شده از روستا نبود .

کالا های تولید شده توسط صنایع وابسته به انحصارات امپریالیستی ، در شرایطی که فقر عمومی مانع از خرید آنان می شد و نیز به دلیل کیفیت صرفی این کالاها که عمدتاً پاسخ گوی نیازهای اساسی مصرف توده ای نبود ، بازار خود را در میان قشریانی مرفه جامعه ، بیشتر از پیش باز یافت و در این رهگذر توزیع دلراهی نفتی در میان خرد بورژوازی مرفه و بوروکرات ، ابزار اصلی جذب کالاها مذکور بود .

در شرایطی که کارگران ، دهقانان رانده شده از روستا و زحمت کسان شهری از نظر اقتصادی در پایین ترین و نابسامان ترین وضع قرار داشتند ، درآمدت و توزیع نامتاسب آن هر چه سریعتر بر قیمت کالاها در رونق می افزود و در تدام خود ، قیمت کالاها ای اساسی مردم به گونه ای سرسام آورتری می کرد .

تورم نه تنها بیشترین فشار را بر قدرت خرید محدود زحمت کسان وارد می ساخت ، بلکه اقتضای مرفه خرد بورژوازی را نیز تدن بجایه همبیزی می کشید . اقتصاد در هم ریخته و هر چه موج حاکم بر آن ، به دلیل عدم ارتباط صنایع داخلی با نیازهای اساسی بازار داخلی ، تاگزیر کم یابی کالا رانیز به دنبال داشت . در شرایطی که شاه به مردم دروازه تمدن بزرگ رانشان می داد ، صف های طولانی مردم برای خرید گوشت ، تخم مرغ ، شیر ، سبزی و ... هر روز طولانی تر می شد . دولت کارگران امپریالیسم در برابر عین مشکل ، رویه وارد کردن کالاها ای اساسی آورد و با دادن کمک های بلا عوض این کالاها را به قیمت های کمتر وارد بازار کرد . اما بیماری اقتصاد قابل علاج نبود . سرمایه داری وابسته تاگزیر تحمل و تشدید بحران جهانی سرمایه داری در جوامع وابسته است . شاه برای پاسخ گوئی به بحران سیستم و کم فربان در میان توده های به خشم آمده از پارسنگین هزینه زندگس ،

جیره گردیده ، آنچه که امروز با ثابا کاهش قدرت خرید کارگران صنعتی قطب تراکم سرمایه در دست سرمایه داری انحصاری را محو می کند ، بیان آن بحران ساختنی امپریالیسم است ، که روابط تولیدی این نظام را همچون سدی در راه رشد بالنده نیروهای مولده قرار داده است . بحران که تادرم شکست روابط تنگ سرمایه داری از سوی بولتاریای انقلابی ، به هستی خوش ادا م می دهد .

گسترش مناسبات سرمایه داری در عرصه جهانی ، به ویژه بعد از جنگ دوم جهانی ، ادغام تقریباً تمام سی سز زمین ها را به بازار جهانی به همراه داشته است . استقرار مناسبات سرمایه داری در جوامع وابسته به امپریالیسم امروز ، هم از بسط دامنه نفوذ انحصارات امپریالیستی به این جوامع است .

نفوذ انحصارات امپریالیستی ، در پی روند تراکم و تمرکز سرمایه در کشور شوهل (امپریالیست) و در چارچوب تقسیم نوین کار در سطح جهانی عملی می گردید . انحصارات امپریالیستی از طریق بهره کنی از کارگران ارزان و تحمیل قیمت های انحصاری بر کالاها توانستند برسود سرفراخوش بیفزایند . و این همه ، از طریق استقرار رژیم های دیکتاتوری و خفقان ، به مثابه شکل ضرورت حاکمیت سیاسی در کشورهای وابسته هر چه بیشتر انجام می پذیرد .

ادغام اقتصاد ایران به گسترده بازار جهانی سرمایه داری ، بیرونی تاگزیر نظم تولید و توزیع داخلی کالا را از قانونمندی های سرمایه داری عصر انحصار ، اجتناب ناپذیر ساخت . دیکتاتوری شاه ، به نشانه اعمال آشکار قدرت خود کاسه سیاسی در عرصه اقتصادی ، از سرسوراه را بر نفوذ انحصارات امپریالیستی و استثمار شدید نیروی انسانی جامعه ما هوار کرد . استقرار صنایع وابسته که هر یک بنابه نیازهای فوری انباشت سرمایه انحصارات امپریالیستی در ایران استقرار یافتند ، هر چند در مجموع بازار جهانی سرمایه داری ، از پیوندگانیک با صنایع کشورهای پیشرو و بخش های تولید کننده کالاها ای سرمایه ای و تولید کالاها ای مصرفی برخوردار نبود ، اما در درون کشور هرگز رابطه فشرده و ارگانیک بین این صنایع و در داخل دویخشا اقتصادی فوق الذکر برخوردار نبود .

گسترش دامنه عمل انحصارات امپریالیستی در ایران ، از

کشتار یکدیگر قرار میگیرند

تا جاشکه بالاخره در روز نظاهرات سیا هکلدر ۱۹ بهمن ، پاسداران و عوامل فتودال ، دست در دست یکدیگر به سرکوب زحمتکشان پرداختند . چند روز قبل از سرگزاری نظاهرات مزیسور ، پاسداران به عده گنبد اشد تحت کنترل گرفته و تعدادی از مافوقین را دستگیر می سازند .

روز ۱۸ بهمن آخوندی مرتجع بنام ساسی که نماینده آنتالیه تریتمنداری می باشد ، اعلامیه ای تحریک آمیز منتشر کرده و در آن " ملیمان " را به جهاد علیه " کفار " فرا می خواند . اعلامیه مزیسور وسیعاً بوسیله عوامل زمین داران در سطح شهر پخش می شود . در ضمن ساعت ۲ بعد از نیمه شب فردای آبروز (۱۹ بهمن) چهار نفر از رهبران ستاد که از مذاکره با نمایندگان وزارت کشاورزی باز می کشند ، دستگیر میگردند . و همچنین پاسداران عده ای دیگر از جمله روحانی مبارز آقای ارزاش را نیز شانس دستگیر می نمایند .

در روز نظاهرات حدود ۲۵۰ نفر از فالانژ های طرفدار فتودالها ، در محبت عده ای پاسدار غیر سومی مسلح نیز دیده میشوند ، که گوئی میگردند با ارتفاع و ضرب و شتم دهقانان از سرگزاری راه پیمای خلقی میگردند .

برخی از فالانژها مسلح به نارنجک هائی بودند که از لوله های سه راهی ساخته شده بودند

مبارزه ضد امپریالیستی جدا از مبارزه ضد سرمایه داری نیست